

خبرنامه ندا را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

تجمع های 3 مرداد در تهران

در همراهی با تظاهرات های بین المللی در سراسر دنیا، مردم مبارز تهران نتوانستند ساکت نشسته و به خیابان ها آمدند. طبق گزارشات رسیده، مردم غیور تهران کوشش کردند تا تجمعات خود را در سه نقطه میدان ونک، میدان انقلاب، و خیابان کریمخان شکل دهند. اما در میدان انقلاب، با حضور متمرکز هزاران نیروی سرکوبگر، به سرعت درگیری ها آغاز گشت و در جنگ و گریز مردم با این نیروها به امیرآباد و بلوار کشیده شد و در ساعتی جمعیت متفرق گشت. جمعیت شکل گرفته در خیابان کریمخان نیز با هدف راهپیمایی تا پارک لاله و پیوستن به جمع مادران عزادار جانبازگان راه آزادی با شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «برادر شهیدم خون تو پس میگیرم» به حرکت در آمد. اما قبل از رسیدن به میدان ولیعصر مورد هجوم موتورسواران و بسیجی های پیاده قرار گرفت و علت حضور نسبتاً کم تعداد مردم، علیرغم روحیه و عزم پایداری ایشان، در کمتر از یکساعت سرکوب و متفرق شد.

اما تجمع در میدان ونک سرنوشت دیگری داشت. لازم به تذکر است که بر خلاف دو نقطه دیگر، از لحاظ استراتژیک، میدان ونک در میان چندین محله ی پر جمعیت، با درصد زیادی در سنین جوانی، با تجربه ی بسیاری در مبارزات خیابانی مستقر شده است. تجمع میدان ونک از ساعت 17، از دسته های چند نفره به گروه های چند ده نفره و به سرعت به تجمع چند هزار نفره، اما غیر متمرکز، از سه راهی میرداماد و ولیعصر تا محل قدیمی «قصر یخ»، تبدیل شد. همزمان با تجمع و تظاهرات مردم و جوانان، نیروی انتظامی قصد تهاجم داشت که مردم همچنان درحال شعار دادن با آنها درگیر شدند. تا ساعت 18:00 مردم با ماموران همچنان درگیر بودند، اما با آگاهی به افزوده شدن سریع به تعداد تظاهر کنندگان، با سر دادن شعار «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم» یکدیگر را تشویق به مقاومت می کردند. از خیابانهای هر چهار سمت میدان مردم لحظه به لحظه به جمعیت داخل میدان اضافه می شد. تا اینکه ی دو نفر از تظاهر کنندگان به چنگ نیروهای سرکوبگر افتادند و یک خانم میانسال توسط نیروهای ماسک دار مضروب شد. در این هنگام با هجوم جمعیت به منطقه درگیری، نیروهای سرکوبگر، آن دو جوان را رها کرده و عقب نشستند. صدای شعارها بالاتر رفت مامورین شروع به تیراندازی هوایی کردند. اما تأثیری بر جمعیت نداشت. مردم همه جا بودند و جنگ و گریز در تمام مناطق درگیری آغاز شده بود. پلیس با شلنگ به شیشه های مغازه های پاساژ ها میکوبید و فرمان میداد که تعطیل کنید. آنها می خواستند با تخلیه مردم، درهای اصلی پاساژها را ببندند. اما مردم به ته پاساژها پناه برده و داخل مغازه ها می شدند. نیروهای انتظامی حتی از شیشه های مغازه ها هم نگذشته و آنها را می شکستند. چرا که دکانداران با وجود خاموش کردن چراغها و پایین کشیدن کرکره ها، پایین آنها را قذری باز گذاشته بودند تا مردم بتوانند از زیر به داخل مغازه بغلتند. جو میدان ونک بشدت متشنج و از نظر جمعیت بسیار شلوغ بود. بنظر می رسید که نیروی کمکی یا ذخیره به سرکوبگران اضافه شده اند. نفراتشان خیلی زیاد و شاید حتی چند هزار نفره شده بود. آنها با تمام قوا به مردم حمله می کردند و کتک می زدند. اما علیرغم این تمهیدات و تدارک گسترده نیروهای امنیتی، مردم و جوانان آزاده با ارتقاء شعارهای بر ضد حکومت اسلامی و «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم»، ایستادگی می کردند.

خبری که در یکی از سایت ها هم آمده بود، گزارش میداد که، حضور و آرایش نیروهای لباس شخصی با روزهای گذشته تفاوت آشکاری کرده بود و با توجه به منطقه تجمع که در میدان ونک و نیاز به تغییر چهره و ظاهر، بسیاری از نیروهای بسیجی با ظاهری کاملاً آراسته در جمع مردم نفوذ کرده و آنان را شناسایی می کردند.

در هجوم سوم نیروهای امنیتی که از دفعات قبل شدیدتر شد، نیروهای لباس شخصی از داخل مردم طعمه هایی را که شناسایی کرده بودند بلافاصله مورد ضرب و شتم قرار داده و مانع فرار آنها شدند. دهها نفر از جوانان در این طرح بسیج دستگیر شدند. در این غافلگیری دو تن از بسیجیان که دو معترض جوان را به دام انداخته بودند و به شدت کتک می زدند، در خیابان ملاصدرا توسط مردم محاصره شدند و به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و ضمن رها کردن دو فرد دستگیر شده، مجبور به فرار شدند. در بین تجمع کنندگان دو فرد ناشناس با جلیقه های متعلق به شبکه پرس تی وی اقدام به فیلم برداری می کردند. یکی از آنان هنگام هجوم نیروهای لباس شخصی به مردم، به کمک نیروهای امنیتی شتافت و شروع به ضرب و شتم مردم کرد. اما نکته ای جالب توجه دیگر حضور عده ای از رانندگان تاکسی و ایستنه به نیروهای امنیتی بود. در ابتدای خیابان ملاصدرا با هجوم نیروهای امنیتی به تجمع کنندگان، عده ای از زنان و مردان که توان فرار نداشتند، مجبور شدند سوار تاکسی های حاضر در محل شوند که یکی از رانندگان بلافاصله درب های خودرو خود را قفل کرد و دنده عقب به سمت نیروهای امنیتی حرکت کرد. راننده ضمن حرکت به سوی ماموران به مسافران فحاشی کرده و گفته بود که منافقان را تحویل قانون خواهد داد. مسافران داخل خودرو با داد و فریاد، مردم را از موضوع مطلع کردند و طلب کمک کردند و نتوانستند خودرو را متوقف و از آن به بیرون فرار کنند. مردم بلافاصله بعد از اطلاع از نقشه راننده، به خودرو او هجوم بردند و قصد داشتند راننده را از خودرو به بیرون بکشند که راننده در فرصتی مناسب و با سرعت از بین مردم گریخت. تعداد ماموران در میدان ونک در ساعت 20، حدود 500 نفر بوده است اما مردم به رغم این تعداد مزدور سرکوبگر به تجمع ادامه داده و صحنه را ترک نکردند.

همچنین گزارش شده است که از ساعت 20:15 به بعد سرکوبگران بچه سال هایی از بسیج را وارد میدان کردند. تعداد این نیروها به حدی بود که دیگر جایی برای تردد مردم و یا ایستادن آنها وجود نداشت. در حدود ساعت 20:30، ماشین ها با به صدا در آوردن بوق خود اعتراضشان به نظام و اتحادشان با سایر مردم را بیان میکردند. نیروهای سرکوبگر تازه نفس اطلاعاتی برای ممانعت از شناسایی توسط مردم در بین جمعیت با ماسک بودند و به این وسیله قصد داشتند تا در صورت گرفته شدن عکس از آنها توسط مردم شناسایی نشوند. در این زمان مردم که حدوداً ده هزار نفر بودند به صورت دسته های ده و بیست تایی حرکت کرده و شعار میدادند: «ما اهل کوفه نیستیم پول بگیریم بایستیم» و «زندانی سیاسی آزاد باید گردد».

در این ساعت، از آنجا که میدان ونک پر از بچه سالهای بسیجی شده بود، مردم دو دسته شده و به سمت خیابان ولیعصر و تجریش حرکت کردند. و عده ای هم به سمت میدان ولیعصر رهسپار شدند. همزمان با حرکت مردم به سمت میدان تجریش، نیروهای مزدور و سرکوبگر نظام هم با موتور و ماشین و پیاده خود را به مردم رسانده و مانع تجمعات آنها شده و با بلند گو به آنها هشدار میدادند که مطلقاً تجمع نکنند، اما مردم به این تمهیدات اهمیت ندادند و با سر دادن شعارهای ضد نظام واحمدی نژاد از جمله: «دولت کودتا استعفا ... استعفا مسیر را طی کردند». در این زمان تمام خیابان های منتهی به میدان ونک با ترافیک سنگین مواجه بود و امکان تردد برای ماشین ها وجود نداشت. آنچه بیش از روزهای گذشته در میان مردم دیده میشد، عزم جزم آنها برای برپایی تجمع و تظاهرات بود. این واقعیت با در نظر گرفتن تعداد نسبتاً کم شرکت کنندگان در تظاهرات، به علت عدم کار تبلیغاتی گسترده و فی البداهه بودن این تجمعات، و تمهیدات امنیتی فراوان و خشونت بی سابقه بود، مانع مردم نشد و آنها تظاهرات های خود را برپا نمودند.

خبرنامه ندا را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

تظاهرات در «همبستگی با مردم ایران»

همزمان با «روز جهانی همبستگی با مردم ایران»، هزاران ایرانی و غیرایرانی در شهرهای مختلف جهان دست به تجمع زدند. تجمع کنندگان از دولت ایران خواستند ضمن پایان دادن به سرکوب معترضان، بازداشت شدگان را نیز آزاد کند. سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای، ۲۵ ژوئیه (شنبه، سوم مرداد) را «روز جهانی همبستگی با مردم ایران، دفاع از حقوق بشر، حقوق شهروندی و آزادی مطبوعات» در این کشور اعلام کرده بودند. کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، سازمان عفو بین‌الملل، سازمان گزارشگران بدون مرز، دیده‌بان حقوق بشر و فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر از جمله صادرکنندگان این بیانیه مشترک هستند. این سازمان‌ها از مردم سراسر جهان خواسته بودند که سوم مرداد ماه در تظاهراتی، حمایت خود از جنبش اعتراضی مردم ایران را نشان دهند.

به گزارش آسوشیتدپرس، تظاهرکنندگان از مقام‌های ایرانی درخواست کردند که صدها ایرانی را که یا در میان تظاهرکنندگان و یا به دلیل فعالیت‌های مدنی و سیاسی بازداشت کرده‌اند، آزاد کنند. سی‌ان‌ان از گردهمایی جهانی در حمایت از معترضان ایرانی در ۴۷ شهر اروپایی و بیش از ۴۰ شهر آمریکایی خبر می‌دهد. تظاهرکنندگان، تصاویری از ندا آقاسلطان، سهراب اعرابی و دیگر کشته‌شدگان شناسایی شده در اعتراض‌های اخیر ایران و نیز برخی زندانیان سیاسی را در دست داشتند.

اردوگاه کهریزک، «اردوگاه مرگ است»

در سرکوب خونین مبارزات مردمی که منجر به جان باختن صدها نفر شده است، حکومت از ترس انفجار خشم مردم، پیکرها را در سردخانه‌ها بیمارستانها و مراکز دیگر نگهداری می‌کند. با توجه به اینکه هر از چند گاهی خبر جان باختن یکی از دستگیر شده‌ها در داخل زندان شنیده می‌شود، در صورتی که در ابتدا به خانواده وی خبر دستگیری او از طریق مسئولین زندان اوین داده شده، هر روز که می‌گذرد نگرانی خانواده‌ها و خشم آنها از این همه وعده و وعیدهای دروغین مسئولین بیشتر و بیشتر می‌شود. از روزهای گذشته رژیم شروع به تحویل دادن پیکر شهدای راه آزادی مردم ایران را به خانواده‌های آنها نموده. مأمورین وزارت اطلاعات فشارهای غیر قابل‌تصور بر خانواده‌های شهدای راه آزادی وارد می‌کند تا خاکسپاری پیکرهای عزیزانشان بدون دید و اطلاع مردم صورت گیرد و همچنین از برگزاری هر مراسمی توسط خانواده‌های آنها ممانعت می‌کند. تعدادی از جانب‌اختگان راه آزادی زیر شکنجه در کهریزک معروف به اردوگاه مرگ بسر می‌برند.

به پالان عوض کردن افتاده اند....

(ای بابا اینا هم مثل شاه به پالون عوض کردن افتاده اند.) این اولین جمله‌ی مادر بزرگ من در واکنش به خبر دستور خامنه‌ای به احمدی نژاد برای برکناری رحیم مشائی بود.

این جمله عامیانه و ساده که یاد آور شعار مردم در انقلاب ۵۷ بود که بر ضد شاه سر می‌دادند: "ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم/ نخست وزیر عوض می‌شه... ما می‌گیم خر نمی‌خوایم پالون خر عوض می‌شه" در شرایط کنونی می‌تواند نمایان گر کلیت وضع اسفناک جمهوری اسلامی باشد. در شرایطی که جمهوری اسلامی تنها با زور اسلحه و به میدان آوردن تمام سپاه پاسداران و تمامی گروه‌های شبه نظامی دیگری از حزب الله لبنان گرفته تا بسیج دهات‌های جنوب کرمان و... توانسته است چند روزی سقوط خود را عقب بیاورد. گویا فشار بر نظام جمهوری اسلامی آن چنان سنگین شده است که مجبور شده اند تا برای حفظ نظام شان قربانی بدهند.

تاریخ بارها تکرار می‌شود، اما گویا دیکتاتور ها هیچ گاه از این تاریخ درس نمی‌گیرند. شاه نیز در سال‌های آخر حکومتش تازه یادش افتاده بود که باید نخست وزیرانش را عوض کند. تازه یادش افتاده بود که باید ساواک را محدود کند و... اکنون «مقام عظمای ولایت» که حتی شخص احمدی نژاد هم دیگر برای حرف هایش تره هم خورد نمی‌کند، و ۷ روز و ۱۳ ساعت و ۵۰ دقیقه ۲۳ ثانیه ولایت اش را با تاخیر پذیرفت (به نقل از روز شمار ولایت پذیرسی سایت الف) و البته در متن نامه اش تنها به استناد قانون اساسی حرفش را قبول می‌کند، نه به استناد حکم ولایتی و حکومتی! تازه یادش افتاده است که برای حفظ نظام باید قربانی بدهد.

اما نکته این جا است که مردم برخلاف دیکتاتور ها از تاریخ درس گرفته اند. مردم دیگر گول این بازی ها را نمی‌خورند. با عوض کردن چند مهره در زمین بازی نمی‌توان نظم کنونی را حفظ کنند. این بازی مسخره استعفاي مشائی نشان داد که مردم بی تفاوت به بازی های حکومتی، نه تنها خواهان برکناری دولت کودتا که خواهان برچیده شدن کلیت نظام جمهوری اسلامی هستند. نظامی که اکنون برای حفظ خود تنها چیزی که دارد سلاح آتشین است، نظامی که حتی دیگر نمی‌تواند بیش از ۳۰ نفر را برای راهپیمایی تجدید بیعت با ولایت، بعد از نماز جمعه بسیج کند. آن هم چه دانشجویان بسیجی با سواد که استعفا را (استثفا) می‌نویسند (رجوع کنید به عکس های تجمع دانشجویان بسیجی مخالف مشائی در نماز جمعه ۲ مرداد- خبرگزاری مهر) این نظام به آخر خط خود رسیده است و یکی از نشانه هایش نیز همین است که خ.ر (مخفف نام خامنه‌ای رهبر به ابتکار بچه های بالاترین) دارد پالان هایش را عوض می‌کند.

اما این خ.ر بزرگ باید بداند که مردم در خیابان ها خواهان مرگ او و هر دیکتاتور دیگری شده اند. و این عوض کردن پالان ها هیچ فایده ای ندارد. مردمی که در خیابان فریاد اصلی شان مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی است تا زمانی که نظام جمهوری اسلامی برقرار باشد و دیکتاتوری تحت لوای آن استمرار یابد، هیچ تغییر مهره ای را نمی‌پذیرند. حتی هاشمی، موسوی، خاتمی، کروبی و هر اصلاح طلب دیگری هم دیگر نمی‌تواند در درون نظام کنونی مردم را آرام سازد. حال چه برسد به تغییرات جزئی و خنده داری مثل برکناری مشائی و توپ و تشر زدن به احمدی نژاد و غیره...

خ.ر بزرگ باید تاوان کشیدن پالانی به سنگینی و بد بویی ا.ن (مخفف احمدی نژاد به ابتکار بچه های بالاترین) را بدهد. این پالان عوض کردن ها فایده ای ندارد.

ما همچنان می‌گوییم ما خ.ر و یا هر دیکتاتور دیگری را نمی‌خواهیم... پویان ش.